

رباعیات حکیم عمر خیام
Hakim Omar Khayyam's Quatrains

ترجمہ: امیر علی سیاسی
Translator: Amir Ali Siassi



خیام، عمر بن ابراهیم، ۴۳۲ - ۵۱۷ ق.	:	سرشناسه
رباعیات. انگلیسی - فارسی	:	Khayyam, Omarebn Ebrahim
Hakim Omar Khayyam's = رباعیات حکیم عمر خیام	:	عنوان قراردادی
تهران: اتاق آبی، ۱۳۹۷.	:	عنوان و نام پدیدآور
۸۸ ص.	:	quatrans / مترجم امیرعلی سیاسی.
۹-۳۱-۵۵۹۰-۶۰۰-۹۷۸	:	مشخصات نشر
فیبا	:	مشخصات ظاهری
فارسی - انگلیسی.	:	شابک
شعر فارسی -- قرن ۱۱ هجری.	:	وضعیت فهرست نویسی
Persian poetry -- 11th century	:	یادداشت
شعر فارسی -- قرن ۱۱ هجری. -- ترجمه شده به انگلیسی	:	موضوع
Persian poetry -- 11th century -- Translations into	:	موضوع
شعر انگلیسی -- قرن ۲۱ م. -- ترجمه شده از فارسی	:	موضوع
English poetry -- 21st century -- Translations from	:	موضوع
سیاسی، امیرعلی، ۱۳۵۸ - مترجم	:	Persian
۱۳۹۷ ۸۸ الف / ۴۶۲۵ PIR	:	شناسه افزوده
۱/۲۲۴۸	:	رده بندی کنگره
۵۳۲۷۴۱۶	:	رده بندی دیویی
	:	شماره کتابشناسی ملی



انتشارات اتاق آبی

رباعیات حکیم عمر خیام

مترجم: امیر علی سیاسی

چاپ اول: ۱۳۹۷، تیراژ: ۲۰۰

چاپ و صحافی: ندا

شابک: ۹-۳۱-۵۵۹۰-۶۰۰-۹۷۸

ناشر: اتاق آبی، تلفن: ۸۸۳۲۹۹۴۷ - ۰۹۱۹۰۲۸۰۷۹۹

Email: blueroomads@gmail.com

قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

۱

برخیز و بیا بتا برای دل ما
حل کن به جمال خویشتن مشکل ما
یک کوزه شراب تا به هم نوش کنیم
ز آن پیش که کوزه‌ها کنند از گل ما

O idol, rise for our heart's delight
By favor, may you solve difficult times
With that fermented wine let's make a toast
For our urn will be shaped into a thermos

۲

چون عهده نمی شود کسی فردا را
حالی خوش کن تو این دل شیدا را
می نوش به ماهتاب ای ماه که ماه
بسیار بتابد و نیابد ما را

Since we shouldn't procrastinate nor delay,
Celebrate and elevate your state to be great!
Drink our wine to unite with our Creator
To shine like the moon from the Sun's rays

۳

گر می نخوری طعنه مزن مستان را
بنیاد مکن تو حيله و دستان را
تو غره بدان مشو که می می نخوری
صد لقمه خوری که می غلام ست آن را

If you don't drink don't criticize drunkenness
Don't deceive yourself with conceitedness
Even if you don't drink, you eat other food
This wine-drinking chases those foods

۴

هر چند که رنگ و بوی زیباست مرا
چون لاله رخ و چو سرو بالاست مرا
معلوم نشد که در طربخانه خاک
نقاش ازل بهر چه آراست مرا

However beautiful are colors and scents
I'm as short as tulips and as tall as the cypress
I'm occult like flowers that grow from seeds
Ask the Eternal Potter: 'What's it mean to be a human being?'

۵

ماییم و می و مطرب و این کنج خراب
جان و دل و جام و جامه در رهن شراب
فارغ ز امید رحمت و بیم عذاب
آزاد ز خاک و باد و از آتش و آب

It's just us, wine, cup and music we treasure
Heart & Soul for Mind & Bodily pleasures
Without hope of mercy & fear of punishment
We're free from earth, air, fire and water elements

۶

آن قصر که جمشید در او جام گرفت
آهو بچه کرد و شیر آرام گرفت
بهرام که گور می‌گرفتی همه عمر
دیدی که چگونه گور بهرام گرفت

In Jamshid's kingdom of wisdom
Lions are tamed, deers bear children
That Bahram famous for death defying
You know he's at rest now in his coffin lying

۷

ابر آمد و باز بر سر سبزه گریست
بی باده ارغوان نمی باید زیست
این سبزه که امروز تماشاگاه ماست
تا سبزه خاک ما تماشاگاه کیست

The skies tears of rain have washed this plain
Without this holy water how can we remain
We maintain our reign atop the food chain
For union with our Beloved must be attained

۸

امروز تو را دسترس فردا نیست
و اندیشه فردات به جز سودا نیست
ضایع مکن این دم ار دلت شیدا نیست
کاین باقی عمر را بها پیدا نیست

Tomorrow is far-fetched from today
Don't bargain tomorrow for today
Why are you lamenting the gift of the present
For the quality of your life, on this joy, depends

۹

ای آمده از عالم روحانی تفت
حیران شده در پنج و چهار و شش و هفت
می نوش ندانی ز کجا آمده‌ای
خوش باش ندانی به کجا خواهی رفت

Dear child you're from the spiritual realm
Don't be bewildered in the physical realm
Enjoy your wine while waiting in line
For there's no better way to pass time

۱۰

ای چرخ فلک خرابی از کینه توست
بیدادگری شیوه دیرینه توست
ای خاک اگر سینه تو بشکافند
بس گوهر قیمتی که در سینه توست

Our hate ruins this whirling vault
For our old habit has been finding fault
Why wait 'til the ground consumes you,
To realize your life's true value?

۱۱

ای دل چو زمانه می کند غمناکت
ناگه برود ز تن روان پاکت
بر سبزه نشین و خوش بزی روزی چند
ز آن پیش که سبزه بردمد از خاکت

O heart don't let the trials of time burden you
For without informing you, your soul leaves you
We are in Life's Garden for a few days
From our corpses trees will be raised

۱۲

این بحر وجود آمده بیرون ز نهفت
کس نیست که این گوهر تحقیق نسفت
هر کس سخنی از سر سودا گفتند
ز آن روی که هست کس نمی داند گفت

We are all reflections of a unified essence
There's nobody who hasn't experimented
With the philosopher stone of Existence
Everyone views it from their own experience

۱۳

این کوزه چو من عاشق زاری بوده ست
در بند سر زلف نگاری بوده ست
این دسته که بر گردن او می‌بینی
دستی ست که برگردن یاری بوده ست

This jug that has made me lovedrunk
Has made me a prisoner of that Beloved
The wreath you see around the Beloved's neck,
Is really just my arms around my soulmate's neck.

۱۴

این کوزه که آبخواره مزدوری است
از دیده شاهست و دل دستوری است
هر کاسه می که بر کف مخموری است
از عارض مستی و لب مستوری است

Squeezed in this bottle's the juice of life
Heart's commands ordered by the King of Life
Every cup of wine is filled with love and light
Being free from future hangovers out of sight

۱۵

این کهنه رباط را که عالم نام است
و آرامگه ابلق صبح و شام است
بزمی ست که وامانده صد جمشید است
قصری ست که تکیه گاه صد بهرام است

Being in touch the body's tissues aren't an issue
Night and day are just a resting place for fools
Wherein you'll find a thousand kingdoms
Therein is the abode of a thousand kings

۱۶

این یک دو سه روز نوبت عمر گذشت
چون آب به جویبار و چون باد به دشت
هرگز غم دو روز مرا یاد نگشت
روزی که نیامده ست و روزی که گذشت

Life's time is finite
For life like a river winds
I never knew a good reason to wine
About the past, being ahead of time!

۱۷

بر چهره گل نسیم نوروز خوش است
در صحن چمن روی دلفروز خوش است
از دی که گذشت هر چه گویی خوش نیست
خوش باش و ز دی مگو که امروز خوش است

The spring brings in new buds to blossom
That green scenery lasts until autumn
In the cold winter, when seeds are sown
To reap at spring when harvests are grown

۱۸

پیش از من و تو لیل و نهاری بوده است
گردنده فلک نیز به کاری بوده است
هرجا که قدم نهی تو بر روی زمین
آن مردمک چشم نگاری بوده است

Before the midnight there had to be the noon
The Creator of planets, stars, suns and moons
All walks of Life on the Earth's surface
In different ways are being of service

۱۹

تا چند زخم به روی دریاها خشت
بیزار شدم ز بت پرستان کنشت
خیام که گفت دوزخی خواهد بود
که رفت به دوزخ و که آمد ز بهشت

How long shall I say join our Sea of Existence
So long I'm fed up with the Idol worshippers
The Khayyam that said there'll be Inferno
For do you know who has gone to Inferno?

۲۰

ترکیب پیاله‌ای که درهم پیوست
بشکستن آن روا نمی‌دارد مست
چندین سر و پای نازنین از سر و دست
از مهر که پیوست و به کین که شکست

The chalice which contains our deepest wishes,
Those who break that vow must have sipped a death kiss!
How many innocent men and women must perish?
Before the light of love and life will be cherished!

۲۱

ترکیب طبایع چون به کام تو دمی است
رو شاد بزی اگرچه بر تو ستمی است
با اهل خرد باش که اصل تن تو
گردی و نسیمی و غباری و دمی است

The hierarchy and social classes weren't chosen
Smile even in the face of the opposition's oppression
And keep a close-knit circle with the noblemen
For seasons and cycles just re-create the awoken

۲۲

چون ابر به نوروز رخ لاله بشست
برخیز و به جام باده کن عزم درست
کاین سبزه که امروز تماشاگاه ماست
فردا همه از خاک تو برخواهد رست

Since our silver lining is shining so very bright
Rise to deliver more of that ruby wine's light
Be present to witness more of today's sights
Tomorrow your resting place will come alive!

۲۳

چون بلبل مست راه در بستان یافت
روی گل و جام باده را خندان یافت
آمد به زبان حال در گوشم گفت
دریاب که عمر رفته را نتوان یافت

Since the drunken nightingale found its way to the Garden
It found the rose and the rosewater rewarding
And spontaneously whispered these words in my ear:
“Seize the day for we aren’t getting younger each year!”

۲۴

چون چرخ به کام یک خردمند نگشت
خواهی تو فلک هفت شمر خواهی هشت
چون باید مرد و همه آرزوها هشت
چه مور خورد به گور و چه گرگ به دشت

Since this whirling sphere doesn’t spin for anyone’s favor,
What difference do other planets make, nothing yet major;
For we need intentions to be met with affection’s attention
So that our connections will correctly direct our ascension.

۲۵

چون لاله به نوروز قدح گیر به دست
با لاله رخی اگر تو را فرصت هست
می نوش به خرمی که این چرخ کهن
ناگاه تو را چون خاک گرداند پست

Yes, the tulips bloom in the springtime
As they're with those rosy-cheeked kind
For this earthen dust-pit, is full of vines
Suddenly plucks us up when we're ripe

۲۶

چون نیست حقیقت و یقین اندر دست
نتوان به امید شک همه عمر نشست
هان تا ننهیم جام می از کف دست
در بی خبری مرد چه هشیار و چه مست

Since we couldn't rationalize the true faith
Neither with doubt should we wait or hesitate
To celebrate and elevate our Great Soul's state
Going in and out of our Consciousnesses Gate

۲۷

چون نیست ز هر چه هست جز باد به دست
چون هست به هر چه هست نقصان و شکست
انگار که هر چه هست در عالم نیست
پندار که هر چه نیست در عالم هست

Since everything is just dust in the wind,
And since everything ends just to begin again.
When existence comes from non-existence,
Then we can state non-existence creates existence!

۲۸

خاکی که به زیر پای هر نادانی است
کف صنمی و چهره جانانی است
هر خشت که بر کنگره ایوانی است
انگشت وزیر یا سلطانی است

This great earth under the feet of ignorance,
Is the idol's foam and the soul's evidence.
Any mortar brick in the portal of existence,
Was once on the fingers of viziers and kings.

۲۹

دارنده چو ترکیب طبایع آراست
از بهر چه او فکندش اندر کم و کاست
گر نیک آمد شکستن از بهر چه بود
ور نیک نیامد این صور عیب کراست

What is the right balance of social classes
The Creator has mixed the poor with the rich
Why does our interest have to come from investing
And without loss, what does it really mean to profit?

۳۰

در پرده اسرار کسی را ره نیست
زین تعبیه جان هیچ کس آگه نیست
جز در دل خاک هیچ منزلگه نیست
می خور که چنین فسانه‌ها کوتاه نیست

No one can gain entrance behind secret's scenes
None can be aware of the nature of our spirit
For our real toil will lie in the heart of the loyal
Drink deep, thinking about these fictions just spoil

۳۱

در خواب بدم مرا خردمندی گفت
کز خواب کسی را گل نشکفت شادی
کاری چه کنی که با اجل باشد جفت
می خور که به زیر خاک می باید خفت

A sage once said to me I was asleep,
For no flower has blossomed by sleeping
Why do we keep practicing dying?
Enjoy life's parade or watch it pass you by!

۳۲

در دایره‌ای که آمد و رفتن ماست
او را نه بدایت نه نهایت پیداست
کس می نزند دمی در این معنی راست
کاین آمدن از کجا و رفتن به کجاست

Within this whirling sphere, we enter and exit
For here there is neither beginning nor ending
Nobody knows life's true purpose and meaning
From where we came and to where we're going

۳۳

دریاب که از روح جدا خواهی رفت
در پرده اسرار فنا خواهی رفت
می نوش ندانی از کجا آمده‌ای
خوش باش ندانی به کجا خواهی رفت

Realizing that the soul will leave the body
Eternal Secrets will be revealed, selflessly
Get high on life for no one soul is in control.
Be lovedrunk for the friend's heart is your home!

۳۴

ساقی گل و سبزه بس طربناک شده ست
دریاب که هفته دگر خاک شده ست
می نوش و گلی بچین که تا درنگری
گل خاک شده ست و سبزه خاشاک شده ست

Both the Gardener and Garden are so joyous
Understand that next week is still not amongst us
Enjoy high times and scatter your seed of love
For flowers have been planted to be plucked!

۳۵

فصل گل و طرف جویبار و لب کشت
با یک دو سه اهل و لعبتی حور سرشت
پیش آر قدح که باده نوشان صبح
آسوده ز مسجدند و فارغ ز کنشت

Tis the blooming spring season
Protected by a few angels from Heaven
Pour out some Divine Light of Consciousness
To get free from mosques, churches and synagogues

۳۶

گر شاخ بقا ز بیخ بختت رست است
ور بر تن تو عمر لباسی چست است
در خیمه تن که سایبانی ست تو را
هان تکیه مکن که چارمیخش سست است

When the branch of our permanence gets cut off
Then the clothes of our life's soul comes off
The body's tent is just rented for shade
So don't depend on it, for it'll also separate

۳۷

گویند کسان بهشت با حور خوش است
من می‌گویم که آب انگور خوش است
این نقد بگیر و دست از آن نسیه بدار
که آواز دهل شنیدن از دور خوش است

They say Heaven's state is made of Angels
Then let me state that great grape wine will sell
In life there are no guarantees, my counsel
As everyone dances to their own drummer, O well!

۳۸

گویند مرا که دوزخی باشد مست
قولی ست خلاف دل در آن نتوان بست
گر عاشق و میخواره به دوزخ باشند
فردا بینی بهشت همچون کف دست

They keep telling me hell is full of us drunks
Well, then I'll never repress my feelings to love.
For if Hell is really packed with the lovedrunk,
You'll surely feel Heaven within your palms!

۳۹

من هیچ ندانم که مرا آن که سرشت
از اهل بهشت کرد یا دوزخ زشت
جامی و بتی و بریطی بر لب کشت
این هر سه نقد مرا و تو را نسیه بهشت

I don't know who created me
Did he make me hellish or heavenly?
A cup, an idol accompanied by a minstrel
These are my values and heavenly counsel!

۴۰

مهتاب به نور دامن شب بشکافت
می نوش دمی بهتر از این نتوان یافت
خوش باش و میندیش که مهتاب بسی
اندر سر خاک یک به یک خواهد تافت

The moon and stars light up the night sky
No better time than now to drink fine wine!
Enjoy and never mind that it is night time,
For it'll never bury star seeds of the high sky

۴۱

می خوردن و شاد بودن آیین من است
فارغ بودن ز کفر و دین دین من است
گفتم به عروس دهر کابین تو چیست
گفتا دل خرم تو کابین من است

Celebrating convivial living is my religion
For being free from sin is my real religion
Asking Universal Wife: "What's your cabin?"
She replied: "Your pleasant heart is my cabin!"

۴۲

می لعل مذابست و صراحی کان است
جسم است پیاله و شرابش جان است
آن جام بلورین که ز می خندان است
اشکی است که خون دل در او پنهان است

The fine wine is produced from my glasses mine
Our bodies are the cup and our soul's the wine
The crystal chalice is still sparkling with wine
Tears from our heart's blood is bottled inside

۴۳

می نوش که عمر جاودانی اینست
خود حاصلت از دور جوانی اینست
هنگام گل و باده و یاران سرمست
خوش باش دمی که زندگانی اینست

Nothing is eternal except sipping wine
That's what it means to experience life
In the high company of weed and wine
Enjoying our life is always worthwhile

۴۴

نیکی و بدی که در نهاد بشر است
شادی و غمی که در قضا و قدر است
با چرخ مکن حواله کاندر ره عقل
چرخ از تو هزار بار بیچاره‌تر است

Understand good and bad are latent within man
Happiness and sadness are jurisdiction's importance
Our fate is not always so simple to understand
For our destiny is much more involuntary than man

۴۵

در هر دشتی که لاله‌زاری بوده ست
از سرخی خون شهریاری بوده ست
هر شاخ بنفشه کز زمین می‌روید
خالی است که بر رخ نگاری بوده ست

For every field full of tulips
Gets red from the blood of its Kings
And all lilies from the ground springs
Are empty without our essence's imprint

۴۶

هر ذره که در خاک زمینی بوده است
پیش از من و تو تاج و نگینی بوده است
گرد از رخ نازنین به آزرم فشان
کان هم رخ خوب نازنینی بوده است

Every single grain that's been on the ground
Before, you and me, was once the jewel of a crown
That's been crushed by the starling's countenance
My words are begging my sweetheart's pardon

۴۷

هر سبزه که برکنار جویی رسته است
گویی ز لب فرشته خوبی رسته است
پا بر سر سبزه تا بخواری ننهی
کان سبزه ز خاک لاله رویی رسته است

All greenery that've grown by lakes
From Angel's lips they've been shaped
Not from their thorns are rose's fragrance
That flora has sprouted up from tulip faces

۴۸

یک جرعه می ز ملک کاووس به است
از تخت قباد و ملکت طوس به است
هر ناله که رندی به سحرگاه زند
از طاعت زاهدان سالوس به است

Every sip of light is much more than any kingdom
That light shines brighter than the throne of kings
All whining of mystics in the early morning
Is better than obeying hypocritical ascetics

۴۹

چون عمر به سر رسد چه شیرین و چه تلخ
پیمانہ کہ پر شود چه بغداد و چه بلخ
می نوش کہ بعد از من و تو ماه بسی
از سلخ به غره آید از غره به سلخ

Our life is filled with bittersweet memories
And that balance will tip the scale's means
Enjoy for there will be much more to treasure
Love's pleasures are beyond any other measure!

۵۰

آنان کہ محیط فضل و آداب شدند
در جمع کمال شمع اصحاب شدند
ره زین شب تاریک نبردند برون
گفتند فسانہ‌ای و در خواب شدند

Those who have entered the kingdom of wisdom
Have become like candle's in the assembly of perfection
Yet, even they, haven't escaped this dark night
Have made fictitious statements to the Sun's light!

۵۱

آن را که به صحرای علل تاخته‌اند
بی او همه کارها بپرداخته‌اند
امروز بهانه‌ای در انداخته‌اند
فردا همه آن بود که در ساخته‌اند

Those who are seeking the desert of reason
Without Love, how can there be any meaning?
Today's procrastinations are tomorrow's shortcomings!

۵۲

آن‌ها که کهن شدند و این‌ها که نوند
هر کس به مراد خویش یک تک بدونند
این کهنه جهان به کس نماند باقی
رفتند و رویم دیگر آیند و روند

Those who've become old, these that are new
Everyone understands it from their own view
This world takes the ground from under you,
We come and go for others the same will do...

۵۳

آن کس که زمین و چرخ و افلاک نهاد
بس داغ که او بر دل غمناک نهاد
بسیار لب چو لعل و زلفین چو مشک
در طبل زمین و حقه خاک نهاد

The Divine Creator of the Universe
Has afflicted the depressed with hurt
Created many ruby-lipped, musky-haired
Dance to life's beat yet still get taken under!

۵۴

آرند یکی و دیگری برابند
بر هیچ کسی راز همی نگشایند
ما را ز قضا جز این قدر ننمایند
پیمانہ عمر ما است می پیمایند

One goes to make way for another one to come,
No single being has the master key for everyone.
For when we judge we are not in the space to love
Our lot on life's scale gets treasured when we love!

۵۵

اجرام که ساکنان این ایوانند
اسباب تردد خردمندانند
هان تا سررشته خرد گم نکنی
کانان که مدبرند سرگردانند

Known objects that exist in this world,
Are the tools the wise use to be grown.
Lo and behold! To not lose your wisdom
For even the clever one's are bewildered!

۵۶

از آمدنم نبود گردون را سود
وز رفتن من جلال و جاهش نفزود
وز هیچ کسی نیز دو گوشم نشنود
کاین آمدن و رفتنم از بهر چه بود

For our coming Heaven doesn't transform,
And from our going Earth doesn't reform.
And I have never heard from anyone
The truth of my existence's reason

۵۷

از رنج کشیدن آدمی حر گردد
قطره چو کشد حبس صدف در گردد
گر مال نماند سر بماناد به جای
پیمانه چو شد تهی دگر پر گردد

Know our pain leads to our pleasure,
Seadrops confined in shells are pearls.
If wealth has gone, why lose our health?
Only an empty container can again be filled!

۵۸

افسوس که سرمایه ز کف بیرون شد
در پای اجل بسی جگرها خون شد
کس نامد از آن جهان که پرسم از وی
که احوال مسافران عالم چون شد

Regret that our mines are without gold,
Death makes all our blood turn cold.
Nobody returned from the other world
For me to ask the true state of our soul

۵۹

افسوس که نامه جوانی طی شد
و آن تازه بهار زندگانی دی شد
آن مرغ طرب که نام او بود شباب
افسوس ندانم که کی آمد کی شد

Such remorse that the course of childhood is over,
And our young children will only get older.
That bird of mirth named youth,
I regret losing what I didn't use!

۶۰

ای بس که نباشیم و جهان خواهد بود
نی نام زما و نی نشان خواهد بود
زین پیش نبودیم و نبد هیچ خلل
زین پس چو نباشیم همان خواهد بود

Even if we cease to exist, the world will exist
Yet we'll get to that nameless placeless essence
Of non-existence, which never knew any prejudice
In truth, everything was everything to begin with!

۶۱

این عقل که در ره سعادت پوید
روزی صد بار خود تو را می گوید
دریاب تو این یک دم وقتت که نی
آن تره که بدروند و دیگر روید

This reason strives toward grace
Every day it repeats your name
Cease the day for it'll not be repeated
That grants life's good luck to us beings

۶۲

این قافله عمر عجب می گذرد
دریاب دمی که با طرب می گذرد
ساقی غم فردای حریفان چه خوری
پیش آر پیاله را که شب می گذرد

O Lord, how fast do our lives pass us by
Find yourself by having the time of your life
For the enemy's destiny, no need to feel bad
Supply our provision, for this too shall pass!

۶۳

بر پشت من از زمانه تو می‌آید
وز من همه کار نانکو می‌آید
جان عزم رحیل کرد و گفتم بمرو
گفتا چه کنم خانه فرو می‌آید

I've experienced this life that you've given
And from me, sins have only been committed
I said leave to the Soul that gives a resolution
It replied, "What to do when our home is in ruin?"

۶۴

بر چرخ فلک هیچ کسی چیر نشد
وز خوردن آدمی زمین سیر نشد
مغرور بدانی که نخورده ست تو را
تعجیل مکن هم بخورد دیر نشد

Since no one ever comes out of life alive
The world never gets tired of taking lives
If you really believe you will not die,
Don't rush, for you will find out in time!

۶۵

بر چشم تو عالم ارچه می آریند
مگرای بدان که عاقلان نگریند
بسیار چو تو روند و بسیار آیند
بربای نصیب خویش کت براینند

Everyone seeks to justify their lives
Even knowing the worry of the wise
Many like you have come and gone
Be present to receive your portion and lot

۶۶

تا چند اسیر رنگ و بو خواهی شد
چند از پی هر زشت و نکو خواهی شد
گر چشمه زمزمی و گر آب حیات
آخر به دل خاک فرو خواهی شد

How long will you be a prisoner of your situation?
How long will you be a victim of the circumstance?
Even if in the spring of life springs the water of life,
In the end, we all will eventually die at some time!

۶۷

تا راه قلندری نیویی نشود
رخساره بخون دل نشویی نشود
سودا چه پزی تا که چو دلسوختگان
آزاد به ترک خود نگویی نشود

Until you don't walk in the Bohemian's shoes,
You can not be washed solely with ablutions.
The worried only create states of melancholy
There's a gap between needing and choosing

۶۸

تا زهره و مه در آسمان گشت پدید
بهتر ز می ناب کسی هیچ ندید
من در عجبم ز می فروشان که ایشان
به زان که فروشند چه خواهند خرید

As Venus and the Moon were dancing in the sky
There was no better time to get high off life.
I am quite surprised by these vintner's style,
Greater than what they sell is what they buy!

۶۹

چون روزی و عمر بیش و کم نتوان کرد
دل را به کم و بیش دژم نتوان کرد
کار من و تو چنان که رای من و توست
از موم به دست خویش هم نتوان کرد

Since we can't change what's meant to be
From more or less we shouldn't be angry
What we do is truly what we want to see
The moon is only waxing to be waning.

۷۰

در دهر چو آواز گل تازه دهند
فرمای بتا که می به اندازه دهند
از حور و قصور و ز بهشت و دوزخ
فارغ بنشین که آن هر آوازه دهند

The universe is really just 'one verse'
To shine just enough light is our work
Through nymphs that neglect inferno
Be detached, for they'll change the tempo.

۷۱

در دهر هر آن که نیم نانی دارد
از بهر نشست آشیانی دارد
نه خادم کس بود نه مخدوم کسی
گو شاد بزی که خوش جهانی دارد

In the universe whenever we're selfless is fruitful
From conversing with others we become more truthful
By being neither serving nor subservient,
Speaking meaningful words for a better world.

۷۲

دهقان قضا بسی چو ما کشت و درود
غم خوردن بیهوده نمی دارد سود
پر کن قدح می به کفم درنه زود
تا باز خورم که بودنی ها همه بود

Global village's judge witnesses what we reap and sow
It is never in our best interest to invest in sorrow.
Fill yourself up, within is the Divine Source of Light
To feel fulfilled, unite with your Being's Sight!

۷۳

روزیست خوش و هوا نه گرم است و نه سرد
ابر از رخ گلزار همی شوید گرد
بلبل به زبان پهلوی با گل زرد
فریاد همی کند که می باید خورد

It's a good day the weather is neither cold nor hot
The clouds shower down on the stardust
The birds are sending tweets to the Garden
Loudly chirping: 'We should drink from Life's Fountain!'

۷۴

ز آن پیش که بر سرت شبیخون آرند
فرمای که تا باده گلگون آرند
تو زر نی ای غافل نادان که تو را
در خاک نهند و باز بیرون آرند

Understand that everybody has an alter ego
Demand that the rosy wine be poured
Understand that you are worth more than gold!
And to this earth don't sell your soul.

۷۵

عمرت تا کی به خودپرستی گذرد
یا در پی نیستی و هستی گذرد
می نوش که عمری که اجل در پی اوست
آن به که به خواب یا به مستی گذرد

How long will you spend being a narcissist?
Being either in and out of consciousness,
Be lovedrunk before becoming non-existent
Is it better to be lovedrunk or unconscious?

۷۶

کس مشکل اسرار اجل را نگشاد
کس یک قدم از دایره بیرون ننهاد
من می نگرم ز مبتدی تا استاد
عجز است به دست هر که از مادر زاد

For nobody has ever been able to escape death,
Nobody has ever been able to live without breath
I've been in the presence of master and apprentice
It's not innate it takes practice to get experienced.

۷۷

کم کن طمع از جهان و می‌زی خرسند
از نیک و بد زمانه بگسل پیوند
می در کف و زلف دلبری گیر که زود
هم بگذرد و نماند این روزی چند

Decrease your greed and you get what you need
To break the link of positivity and negativity.
In the company of lovers, breathe deeply
For these days, too, are quickly fleeting...

۷۸

گرچه غم و رنج من درازی دارد
عیش و طرب تو سرفرازی دارد
بر هر دو مکن تکیه که دوران فلک
در پرده هزار گونه بازی دارد

Eventhough my pain and suffering are long,
Your greatness gives me pleasure and comfort
But don't depend on either in this epoch,
As you shouldn't judge a book by its cover

۷۹

گر یک نفست ز زندگانی گذرد
مگذار که جز به شادمانی گذرد
هشدار که سرمایه سودای جهان
عمرست چنان کش گذرانی گذرد

With each breath enjoy the joy of life,
For our depressing capital is in enterprise.
Our lives are wasted chasing dollar signs!

۸۰

گویند بهشت و حورعین خواهد بود
آن جا می و شیر و انگبین خواهد بود
گر ما می و معشوق گزیدیم چه باک
چون عاقبت کار چنین خواهد بود

They say heaven is where angels are present
That is the haven of good grace's abundance
Why blame us if we choose to fuse with our Holy Beloved
For when our shame ends, then again we begin to be in love!

۸۱

گویند بهشت و حور و کوثر باشد
جوی می و شیر و شهد و شکر باشد
پر کن قدح باده و بر دستم نه
نقدی ز هزار نسیه خوش تر باشد

They promise heavenly angels in the afterlife
With flowing rivers of milk and honey and spice
Would someone please pour me a glass of wine
Treasure life's pleasure more than such advice

۸۲

گویند هر آن کسان که با پرهیزند
زان سان که بمیرند چنان برخیزند
ما با می و معشوقه از آنیم مدام
باشد که به حشرمان چنان انگیزند

They say only those who refrain or abstain
Are the only ones, who, Eternity will gain
Us Bohemians will forever elatedly celebrate,
Even if radical fanatics choose to be celibate

۸۳

می خور که ز دل کثرت و قلت ببرد
و اندیشه هفتاد و دو ملت ببرد
پرهیز مکن ز کیمیایی که از او
یک جرعه خوری هزار علت ببرد

Drink the holy wine of united consciousness
That frees us from thoughts of being separate
Don't ever neglect love's alchemical process
Just one sip will speed up evolution's progress

۸۴

هر راز که اندر دل دانا باشد
باید که نهفته تر ز عنقا باشد
کاندر صدف از نهفتگی گردد در
آن قطره که راز دل دریا باشد

Every mystery within the wiseman's heart
Has to remain more hidden than the albatross
Only from being hidden do shells form into pearls
That drop holds within it the secret of the entire world

۸۶

هر صبح که روی لاله شبنم گیرد
بالای بنفشه در چمن خم گیرد
انصاف مرا ز غنچه خوش می آید
کو دامن خویشتن فراهم گیرد

Every morning dewdrops form on the tulips
Above the pansies the grass twirls and twists
Decency makes us become joyous beings
The mountains cover up our shortcomings

۸۶

هرگز دل من ز علم محروم نشد
کم ماند ز اسرار که معلوم نشد
هفتاد و دو سال فکر کردم شب و روز
معلوم شد که هیچ معلوم نشد

Never has my heart been without wisdom, lover
There are very few wonders left to be discovered
I spent seventy-two years pondering and wandering
I really discovered that nothing had been uncovered

۸۷

یاران موافق همه از دست شدند
در پای اجل یکان یکان پست شدند
خوردیم ز یک شراب در مجلس عمر
دوری دو سه پیش تر ز ما مست شدند

All successful beings have also left
Each of them could never escape death
We drank the life water to each other's health
In solitude, we really discover our true wealth

۸۸

یک جام شراب صد دل و دین ارزد
یک جرعه می مملکت چین ارزد
جز باده لعل نیست در روی زمین
تلخی که هزار جان شیرین ارزد

A cup of wine is worth more than anything you think
And more precious than China becomes that drink
Other than that ruby mine of wine there is nothing
A bitterness that is more valuable than any sweetness

۸۹

یک قطره آب بود با دریا شد
یک ذره خاک با زمین یکتا شد
آمد شدن تو اندرین عالم چیست
آمد مگسی پدید و ناپیدا شد

Water droplets run in rivers to the ocean
A grain of sand with the earth becomes one
Tell me, what is the purpose of your existence
For a fly also flies away from its own existence

۹۰

یک نان به دو روز اگر بود حاصل مرد
از کوزه شکسته‌ای دمی آبی سرد
مامور کم از خودی چرا باید بود
یا خدمت چون خودی چرا باید کرد

A loaf of bread, if uneaten, will eventually get moldy
And from a broken jug of cold water pours
Why does an agent have to exist superficially?
Why does true service have to be done continuously?

۹۱

آن لعل در آبگینه ساده بیار
و آن محرم و مونس هر آزاده بیار
چون میدانی که مدت عالم خاک
باد است که زود بگذرد باده بیار

Please pour me that Divine wine of the grape
Bless us the company of our true soulmate
Since you really understand the world's fate
We're like dust in the wind, keep us up-to-date

۹۲

از بودنی ای دوست چه داری تیمار
وز فکرت بیهوده دل و جان افکار
خرم بزی و جهان بشادی گذران
تدبیر نه با تو کرده‌اند اول کار

What sickens you of being with me, O friend?
Why does your heart and soul think to spend?
Live lavishly, as your quality of life depends on it!
For the world wasn't created alone for your destiny!

۹۳

افلاک که جز غم نفرایند دگر
ننهند به جا تا نریایند دگر
نآمدگان اگر بدانند که ما
از دهر چه می کشیم نایند دگر

There's nothing but chaos in the cosmos
There's nobody alive who hasn't struggled
Those who haven't been born if they knew what
we had to go through probably would've never come

۹۴

ای دل غم این جهان فرسوده مخور
بیهوده نی غمان بیهوده مخور
چون بوده گذشت و نیست نابوده پدید
خوش باش غم بوده و نابوده مخور

O heart, don't worry about this ruined world
Don't needlessly and uselessly worry!
The past is history, the future's a mystery:
Not worrying about being and non-being, enjoy!

۹۵

ای دل همه اسباب جهان خواسته گیر
باغ طربت به سبزه آراسته گیر
و آن گاه بر آن سبزه شبی چون شبم
بنشسته و بامداد برخاسته گیر

O heart, imagine you are everything in the world
To fathom its green scenery decorates your soul
Getting there picture the dewdrops at night,
Fills that greenery and rises at morning time.

۹۶

این اهل قبور خاک گشتند و غبار
هر ذره ز هر ذره گرفتند کنار
آه این چه شراب است که تا روز شمار
بیخود شده و بی خبرند از همه کار

Our bodies will be found six-feet under the ground
And all our molecules will soon get unbound
O! what's this life elixir that's so renowned,
Effacing our selves from both city and town

۹۷

خشت سر خم ز ملکت جم خوش تر
بوی قدح از غذای مریم خوش تر
آه سحری ز سینه خماری
از ناله بوسعید و ادهم خوش تر

The wine barrel's wood is holier than any grail
The scent of wine's purer than the food Mary ate
The morning sigh of that hungover state
Is deeper and higher than Adam's wail

۹۸

در دایره سپهر ناپیدا غور
جامی ست که جمله را چشانند به دور
نوبت چو به دور تو رسد آه مکن
می نوش به خوشدلی که دور است نه جور

In the circle of the empyrean there's no grave
There circulates the ever flowing Holy Grail
Since it is your turn breathe a sigh of relief
Merrily drink the wine that's beyond belief

۹۹

دی کوزه گری بدیدم اندر بازار
بر پاره گلی لگد همی زد بسیار
و آن گل به زبان حال با او می گفت
من همچو تو بوده ام مرا نیکو دار

Yesterday I saw a potter in the market
Kicking the flowers splinters apart
And that flower, out loud thought:
"I once was you, so will you please stop!"

۱۰۰

ز آن می که حیات جاودانی ست بخور
سرمایه لذت جوانی است بخور
سوزنده چو آتش است لیکن غم را
سازنده چو آب زندگانی است بخور

Drink from the Divine vine of Eternity
Drink because it's the cause of Being's joy
To burn your grief is the desire of that fire
And with this water build your life up higher

۱۰۱

گر باده خوری تو با خردمندان خور
یا با صنمی لاله رخی خندان خور
بسیار مخور و رد مکن فاش مساز
اندک خور و گه گاه خور و پنهان خور

If you drink, drink with wise scholars
Or drink with a rose-hued smiling Madonna
But don't get addicted, prefer moderation
Drink a little, privately on special occasions

۱۰۲

وقت سحر است خیز ای طرفه پسر
پر باده لعل کن بلورین ساغر
کاین یک دم عاریت در این گنج فنا
بسیار بجویی و نیابی دیگر

Morning is the time to rise and shine
Fill up your cup with sparkling wine
In non-existence's riches we borrow life
With all your searching, another, you'll not find

۱۰۳

از جمله رفتگان این راه دراز
باز آمده کیست تا بما گوید باز
پس بر سر این دو راهه آز و نیاز
تا هیچ نمائی که نمی آیی باز

Our ancestors have paved the way for us
Future generations come to follow up
Walking the fine line between greed and need
Till we become selfless complete beings

۱۰۴

ای پیر خردمند پگه تر برخیز
و آن کودک خاکبیز را بنگر تیز
پندش ده گو که نرم نرمک می بیز
مغز سر کیقباد و چشم پرویز

O old wise man rise early morning tide
And teach your child wrong from right
Speak kindly when you are giving advice

۱۰۵

وقت سحر است خیز ای مایه ناز
نرمک نرمک باده خور و چنگ نواز
که آن‌ها که بجایند نیابند بسی
و آن‌ها که شدند کس نمی‌آید باز

It is day time to wake up, babe
Slowly sip the grape and music will play
We that are here surely will not remain
And those who became will not come again

۱۰۶

مرغی دیدم نشسته بر باره طوس
در پیش نهاده کله کیکاووس
با کله همی گفت که افسوس افسوس
کو بانگ جرس‌ها و کجا ناله کوس

I saw a bird perched on a corpse
It chirped saying: 'Such remorse!
Where's the bell's moan and groan?'

۱۰۷

جامی است که عقل آفرین می‌زندش
صد بوسه ز مهر بر جبین می‌زندش
این کوزه‌گر دهر چنین جام لطیف
می‌سازد و باز بر زمین می‌زندش

This beaker must be a beacon of light
Every kiss of seeker's find the Being's sight
This Heavenly Potter of our bodies and minds
Shines through our consciousness with life

۱۰۸

خیام اگر ز باده مستی خوش باش
با ماهرخی اگر نشستی خوش باش
چون عاقبت کار جهان نیستی است
انگار که نیستی چو هستی خوش باش

Khayyam if drunk with wine, Enjoy!
If seated with a lover of thine, Enjoy!
Since this existence results in non-existence,
Be non-existent to become one with existence!

۱۰۹

در کارگه کوزه‌گری رفتم دوش
دیدم دو هزار کوزه گویا و خموش
ناگاه یکی کوزه برآورد خروش
کو کوزه‌گر و کوزه‌خر و کوزه فروش

I went to the potter's factory last night
Two thousand pitchers came to my sight
All of a sudden one of them came to life
Now where's the potter, seller and buyer

۱۱۰

ایام زمانه از کسی دارد ننگ
کو در غم ایام نشیند دلتنگ
می خور تو در آبگینه با ناله چنگ
ز آن پیش که آبگینه آید برسنگ

Our lifetime is like a flash in the pan of existence,
Why miss the chance to make the most while existing?
Let's propose a toast to our host the Holy Ghost
Before for the Heavenly Feast we become toast!

۱۱۱

از جرم گل سیاه تا اوج زحل
کردم همه مشکلات کلی را حل
بگشادم بندهای مشکل به حیل
هر بند گشاده شد به جز بند اجل

From the lotus flower's growth to Saturn's planet
I solved all of my problems, in turn, I was still upset
For I could never solve stars burning out in the end

۱۱۲

با سرو قدی تازه‌تر از خرمن گل
از دست منه جام می و دامن گل
زان پیش که ناگه شود از باد اجل
پیراهن عمر ما چو پیراهن گل

Rejuvenate yourself by the Cypress in the Garden
Don't renounce your Soul's expressive reflections
The morning breeze softly spoke to me,
"Your life comes with no guarantees!"

۱۱۳

ای دوست بیا تا غم فردا نخوریم
وین یک دم عمر را غنیمت شمیریم
فردا که ازین دیر فنا درگذریم
با هفت هزار سالگان سر به سریم

O friend come we shouldn't worry about the future
Together we'll be reminded of life's value and virtue
We really don't know how long we'll be alive,
But as long as we are, let's make the most of life!

۱۱۴

این چرخ فلک که ما در او حیرانیم
فانوس خیال از او مثالی دانیم
خورشید چراغ داران و عالم فانوس
ما چون صوریم کاندرا او حیرانیم

This whirling world that where we are wandering
Imagination's lamp grants us examples for following
That lantern's world is lit by the Sun of Trailblazing
We are like mere trumpets blasted by His playing

۱۱۵

برخیز ز خواب تا شرابی بخوریم
ز آن پیش که از زمانه تابی بخوریم
کاین چرخ ستیزه روی ناگه روزی
چندان ندهد زمان که آبی بخوریم

Awake shake sleep, let's drink deep
Before we are swayed on life's journey
For the wheel of karma spins on uncertainty
We might not have another chance to make merry

۱۱۶

برخیزم و عزم باده ناب کنم
رنگ رخ خود به رنگ عناب کنم
این عقل فضول پیشه را مستی می
بر روی زخم چنان که در خواب کنم

As I rise I desire the water of life
That make our cheeks seem so red
Give this voyeur of wisdom some wine
I'm with my wife as if we lived in our bed

۱۱۷

بر مفرش خاک خفتگان می بینم
در زیرزمین نهفتگان می بینم
چندان که به صحرای عدم می نگرم
نآمدگان و رفتگان می بینم

In the reflection of the ground I see a cemetery
Under the ground I see soul's returning
As I look on the desert of absence
I find future and past presences

۱۱۸

تا چند اسیر عقل هر روزه شویم
در دهر چه صد ساله چه یک روزه شویم
در ده توبه کاسه می از آن پیش که ما
در کارگه کوزه گران کوزه شویم

How long will we be a slave of common sense
Whether dying or being born we're all heavenly
Sip a bowl of life-giving liquid before its finished
For we'll become just a jug in the potter's factory

۱۱۹

چون نیست مقام ما در این دهر مقیم
پس بی می و معشوق خطایی ست عظیم
تا کی ز قدیم و محدث امیدم و بیم
چون من رفتم جهان چه محدث چه قدیم

For residents of earth aren't permanent citizens,
Therefore, being without love and Beloved is a sin!
How long should we have fear and hope of living?
When I'm gone, old or new, what's the difference?

۱۲۰

خورشید به گل نهفت می نتوانم
و اسرار زمانه گفت می نتوانم
از بحر تفکرم برآورد خرد
دری که ز بیم سفت می نتوانم

The Sun lies hidden in the flowers
And has said time's mystery is ours.
From contemplation comes understanding,
This revolving door fears getting slammed!

۱۲۱

دشمن به غلط گفت من فلسفیم
ایزد داند که آن چه او گفت نیم
لیکن چو در این غم آشیان آمده‌ام
آخر کم از آن که من بدانم که کی‌م

The enemy mistakenly called me a philosopher
The Creator truly knows me much better!
But as I've grown up in a cold world,
It was very hard to know my own soul!

۱۲۲

ماییم که اصل شادی و کان غمیم
سرمایه دادیم و نهاد ستمیم
پستیم و بلندیم و کمالیم و کمیم
آیینه جام زنگ خورده و جمیم

We're responsible for our own happiness and sadness
We've invested and become subject to violence
We're both the highs, lows complete incompleteness
Soul mirrors the dusty body in togetherness

۱۲۳

من می نه ز بهر تنگدستی نخورم
یا از غم رسوایی و مستی نخورم
من می ز برای خوشدلی می خوردم
اکنون که تو بر دلم نشستی نخورم

I don't drink because I'm poor
Nor from dishonor, a drink I pour
But I really drink for my soul to soar
Though I never drink when I'm with my Soul

۱۲۴

من بی می ناب زیستن نتوانم
بی باده کشید بار تن نتوانم
من بنده آن دمم که ساقی گوید
یک جام دگر بگیر و من نتوانم

Without pure consciousness, I can't live
Without a clear conscience, I can't give
I'm a child, the moment the musician sings
Saying have another, when I had too much to drink

۱۲۵

هر یک چندی یکی برآید که منم
با نعمت و با سیم و زر آید که منم
چون کارک او نظام گیرد روزی
ناگه اجل از کمین برآید که منم

Once in a while somebody comes along like me
With abundance and plenty of jewelry like me
Since the Holy Work always runs our town
Suddenly, death stops hiding to get found!

۱۲۶

یک چند به کودکی به استاد شدیم
یک چند به استادی خود شاد شدیم
پایان سخن شنو که ما را چه رسید
از خاک در آمدیم و بر باد شدیم

All children need good teachers to learn from
Passing those lessons, masters we will become
In conclusion, hear the moral of our story's end
We leave the ground to be gone with the wind!

۱۲۷

یک روز ز بند عالم آزاد نیم
یک دم زدن از وجود خود شاد نیم
شاگردی روزگار کردم بسیار
در کار جهان هنوز استاد نیم

There's not a day that I'm freed from existence
I wish there was a way I could have some purpose
In the class of life, I've been an eager student
In the ways of the world, I'm still not an expert

۱۲۸

از دی که گذشت هیچ ازو یاد مکن
فردا که نیامده ست فریاد مکن
برنامه و گذشته بنیاد مکن
حالی خوش باش و عمر بر باد مکن

The winter is time to sow our seeds,
Which in the spring time we'll reap.
Don't base life on the past or future happenings
And enjoy the gift of the present more fully

۱۲۹

ای دیده اگر کور نی گور ببین
وین عالم پر فتنه و پر شور ببین
شاهان و سران و سروران زیر گلند
روهای چو مه در دهن مور ببین

O sight, if you have eyes see both life and death
And look at this world full of plight and convenience
Kings, Governments and Authorities all will die
In the microcosm the macrocosm you can find

۱۳۰

برخیز و مخور غم جهان گذران
بنشین و دمی به شادمانی گذران
در طبع جهان اگر وفایی بودی
نوبت به تو خود نیامدی از دگران

Awake to shake the world's misery
Be calm, relax and count your blessings
If the nature of the world were loyal,
It wouldn't take its beings under the soil

۱۳۱

چون حاصل آدمی در این شورستان
جز خوردن غصه نیست تا کندن جان
خرم دل آن که زین جهان زود برفت
و آسوده کسی که خود نیامد به جهان

The meaning of being in the Unified Field of Consciousness
Results in identifying and serving other beings consciously
The whole-hearted souls are those who have departed
And those souls most at ease have not even started

۱۳۲

رفتم که در این منزل بیداد بدن
در دست نخواهد بر خنگ از باد بدن
آن را باید به مرگ من شاد بدن
کز دست اجل تواند آزاد بدن

I have left my finite limited bodily physique
To become less dense matter, so to speak
When I'm selfless it's out of my soul's need
Before leaving here, know what it feels to be free

۱۳۳

رندی دیدم نشسته بر خنگ زمین
نه کفر و نه اسلام و نه دنیا و نه دین
نه حق نه حقیقت نه شریعت نه یقین
اندر دو جهان که را بود زهره این

I saw a Bohemian sitting cross-legged on the ground
Otherworldly without blasphemy or religion, I found
Without needing to be self-righteously devout
He was a Love God, in between both worlds

۱۳۴

قانع به یک استخوان چو کرکس بودن
به ز آن که طفیل خوان ناکس بودن
با نان جوین خویش حقا که به است
که آلوده و پالوده هر خس بودن

Content with carcass bones are vultures
Better than being a parasite of culture
With your own bread feel more satisfied
Than being polluted by any and every weed

۱۳۵

قومی متفکرند اندر ره دین
قومی به گمان فتاده در راه یقین
می ترسم از آن که بانگ آید روزی
که ای بی خبران راه نه آنست و نه این

One nation believes in religion
Another nation doubts that religion
One day I fear having to hear a voice
Saying: 'It is neither that nor this choice.'

۱۳۶

گاویست در آسمان و نامش پروین
یک گاو دگر نهفته در زیر زمین
چشم خردت باز کن از روی یقین
زیر و زبر دو گاو مشتی خر بین

There is Pleiades, the sky's legendary cow
Another cow lies hidden beneath the ground
Open third eye's based on true faith and real hope
To see there are a handful of donkeys between both!

۱۳۷

گر بر فلکم دست بدی چون یزدان
برداشتمی من این فلک را ز میان
از نو فلکی دگر چنان ساختمی
که آزاده به کام دل رسیدی آسان

The Hand of God extends to help all in the world
We all need to accept responsibility for a better world
The Universal Creator has made us in his image
To best manifest Him throughout the ages

۱۳۸

مشنو سخن از زمانه ساز آمدگان
می خواه مروق به طراز آمدگان
رفتند یکان یکان فراز آمدگان
کس می ندهد نشان ز بازآمدگان

Don't become the ball of other people's opinions
You won't stand for anything and will fall for everything
One by one those that were ready made their ascension
But no one knows or has disclosed the precise destination

۱۳۹

می خوردن و گرد نیکوان گردیدن
به زآن که به زرق زاهدی ورزیدن
گر عاشق و مست دوزخی خواهد بود
پس روی بهشت کس نخواهد دیدن

Getting lovedrunk with good company
Is better than self-righteous blasphemy
Whether lover or drunkard, there'll be hell
So nobody can really tell heaven from hell!

۱۴۰

نتوان دل شاد را به غم فرسودن
وقت خوش خود به سنگ محنت سودن
کس غیب چه داند که چه خواهد بودن
می باید و معشوق و به کام آسودن

A happy heart can't rub off on a depressed state
Life's pleasure is on the other end of tribulations
Do you really believe in psychic fortune telling?
Be lovedrunk with the Beloved and take it easy

۱۴۱

آن قصر که با چرخ همی زد پهلوی
بر درگه آن شهان نهادندی رو
دیدیم که بر کنگره اش فاخته ای
بنشسته همی گفت که کو کو کو کو

The Eternal King's kingdom is within
That's the position or condition to be worshipping
The way that you have reflected this essence
People would rather back-bite or gossip

۱۴۲

از آمدن و رفتن ما سودی کو
وز تار امید عمر ما پودی کو
چندین سروپای نازنینان جهان
می سوزد و خاک می شود دودی کو

From our own existence who profits?
And from our extensions who prospers?
Spending experiences with special persons,
Burns and turns to dust, was it worth it?

۱۴۳

از تن چو برفت جان پاک من و تو
خشتی دو نهند بر مغاک من و تو
و آن گاه برای خشت گور دگران
در کالبدی کشند خاک من و تو

Where do our souls go from our bodies?
For they will fill our pits with soil and mud!
And will put our corpses in a kind of tomb.

۱۴۴

می خور که فلک بهر هلاک من و تو
قصدی دارد به جان پاک من و تو
در سبزه نشین و می روشن می خور
کاین سبزه بسی دمد ز خاک من و تو

Get drunk for we aren't in control of the universe
And it has its own seprate intentions for us all
Sit on the green grass while drinking alcohol
For this greenery will sprout from our tombs!

۱۴۵

از هر چه به جز می است کوتاهی به
می هم ز کف بتان خرگاهی به
مستی و قلندری و گمراهی به
یک جرعه می ز ماه تا ماهی به

I can not live without the Divine Wine
Better than idols is that Divine Wine
Being a drunklover of love we'll discover
That drink, drinking and drinker are one!

۱۴۶

بنگر ز صبا دامن گل چاک شده
بلبل ز جمال گل طربناک شده
در سایه گل نشین که بسیار این گل
در خاک فرو ریزد و ما خاک شده

On the flower petal feel the breeze
The nightingale is so happy of its beauty
Don't just bask in the flower shade,
For sunflowers will grow from our graves

۱۴۷

تا کی غم آن خورم که دارم یا نه
وین عمر به خوشدلی گذارم یا نه
پرکن قدح باده که معلوم نیست
کاین دم که فرو برم برآرم یا نه

How long shall we mourn that we have or don't?
And should I spend my life being happy or not?
Pour a cup of light for the future is out of sight,
I don't even know if I'll come out of my dreams alive!

۱۴۸

یک جرعه می کهن ز ملکی نو به
وز هر چه نه می طریق بیرون شو به
در دست به از تخت فریدون صد بار
خشت سر خم ز ملک کیخسرو به

A sip of that aged grape juice is better than an empire
And in anyway that you can escape that fate, aspire
What I've in my hands is better than the kingdom entire
The wood of the vat is holier than the Vatican attire

۱۴۹

آن مایه ز دنیا که خوری یا پوشی
معذوری اگر در طلبش می کوشی
باقی همه رایگان نیرزد هشدار
تا عمر گران بها بدان نفروشی

The amount of the world we consume
If we strive towards that we are excused
Those who are hungry know the value of food
To not waste life's precious resources or virtues

۱۵۰

از آمدن بهار و از رفتن دی
اوراق وجود ما همی گردد طی
می خورد مخور اندوه که فرمود حکیم
غم‌های جهان چو زهر و تریاقش می

From the coming of spring and leaving of winter
Our Akashic records unfold to become clearer
Don't worry, be happy and make merry say wisemen
The world's worries are like toxins in our system

۱۵۱

از کوزه‌گری کوزه خریدم باری
آن کوزه سخن گفت ز هر اسراری
شاهی بودم که جام زرینم بود
اکنون شده‌ام کوزه هر خماری

I once bought a pitcher from a potter,
Delivering many secrets did that pitcher
With my golden chalice, I was a King
I've become the pitcher of every vintner

۱۵۲

ای آن که نتیجه چهار و هفتی
وز هفت و چهار داریم اندر تفتی
می خور که هزار بار بیشتر گفتم
باز آمدنت نیست چو رفتی رفتی

O that which is the result of arithmetic
Is constantly affected by more or less
I've advised you to live your happiness
For we only have this one life to live!

۱۵۳

ای دل تو به اسرار معما نرسی
در نکته زیرکان دانا نرسی
این جا به می لعل بهشتی می ساز
کآن جا که بهشت است رسی یا نرسی

O heart, you will not understand life's mystery
You will not reach sage's conclusions, suddenly.
Now make merry for heaven has been Here;
For from nowhere we've formed Now Here!

۱۵۴

ای دوست حقیقت شنو از من سخنی
با باده لعل باش و با سیم تنی
کآن کس که جهان کرد فراغت دارد
از سبلت چون تویی و ریش چو منی

O truth seeker listen to my counsel
Be content with your very own self
The Universal Creator is truly independent
In the other person you see your other aspects

۱۵۵

ای کاش که جای آرمیدن بودی
یا این ره دور را رسیدن بودی
کاش از پی صد هزار سال از دل خاک
چون سبزه امید بر دمیدن بودی

I hope and pray for Supreme World Peace
That which has arrived becomes Destiny
I've been wishing for Heaven on Earth,
Shouldn't we strive for a better world?

۱۵۶

بر سنگ زدم دوش سیوی کاشی
سرمست بدم که کردم این عیاشی
با من به زبان حال می گفت سبو
من چو تو بدم تو نیز چون من باشی

Last night I've shattered my clay jar on a rock,
I was so drunk that I committed this debauch.
With the language of feeling, that jar talked:
'I was you and you are me, essentially we're one!'

۱۵۷

بر شاخ امید اگر بری یافتمی
هم رشته خویش را سری یافتمی
تا چند ز تنگنای زندان وجود
ای کاش سوی عدم دری یافتمی

If from the branch of hope you leave,
Indeed, you'll soon find your colleague.
How long be confined in existence's prison?
Hopefully, you will find the key is non-existence!

۱۵۸

بر گیر پیاله و سبو ای دل جوی
فارغ بنشین به کشتزار و لب جوی
بس شخص عزیز را که چرخ بدخوی
صد بار پیاله کرد و صد بار سبوی

Take up the cup of desire,
Sit apart from the Earthly empire
Many Beloved beings have demised
And in Mother Nature have been recycled

۱۵۹

پیری دیدم به خانه خماری
گفتم نکنی ز رفتگان اخباری
گفتا می خور که همچو ما بسیاری
رفتند و خبر باز نیامد باری

Last night I saw an elderly person at the bar,
I asked: "Do you have news of the departed?"
He replied: "Make merry for many of the Masters,
Left us, without that question being able to answer!"

۱۶۰

تا چند حدیث پنج و چار ای ساقی
مشکل چه یکی چه صد هزار ای ساقی
خاکیم همه چنگ بساز ای ساقی
بادیم همه باده بیار ای ساقی

O bartender, how much longer shall we live in greed?
For must our desires fuel the fire of illusionary need?
We're all just stardust particles seeking to be free,
So curb your enthusiasm for hoarding excessively!

۱۶۱

چندان که نگاه می‌کنم هر سوئی
در باغ روان‌ست ز کوثر جوئی
صحرا چو بهشت است ز کوثر کم‌گوی
بنشین به بهشت با بهشتی روی

Whenever I've searched in every direction,
I found Heaven planted in the Mind's Garden.
We've lost paradise existing within this heaven
Come sit with the angels existing in this heaven

۱۶۲

خوش باش که پخته‌اند سودای تو دی
فارغ شده‌اند از تمنای تو دی
قصه چه کنم که به تقاضای تو دی
دادند قرار کار فردای تو دی

Be joyous, they have baked the sadness of winter
They've become separate from the pleas of winter
What story should I tell for the request of winter
They've made tomorrow's work the fate of winter

۱۶۳

در کارگه کوزه‌گری کردم رای
در پایه چرخ دیدم استاد به پای
می‌کرد دلیر کوزه را دسته و سر
از کله پادشاه و از دست گدای

I've actively participated in the potter's factory,
At the end of the work, I saw the Master's Mastery:
He would effortlessly be making pitchers,
From hands of the poor and heads of kings.

۱۶۴

در گوش دلم گفت فلک پنهانی
حکمی که قضا بود ز من میدانی
در گردش خویش اگر مرا دست بدی
خود را برهاندمی ز سرگردانی

The hidden world spoke to my inner heart:
'A trivial matter why should you start?
If you could help the world go round,
You, yourself, would never be found!'

۱۶۵

زان کوزه می که نیست در وی ضرری
پر کن قدحی بخور به من ده دگری
ز آن پیش تر ای صنم که در رهگذری
خاک من و تو کوزه کند کوزه‌گری

From that wine bottle without any bad side-effects,
Pour out a glass for me and one for yourself.
And fill it to the brim for we're just passengers
Our bodies, will be shaped into pitchers by the Potter.

۱۶۶

گر آمدنم به خود بدی نامدمی
ور نیز شدن به من بدی کی شدمی
به زآن ندی که اندر این دیر خراب
نه آمدمی نه شدمی نه بدمی

If when I self-realize I speak unlovingly,
When I've become love, there's nothing ugly.
It's better not to be in this ruined world,
Not to come into or become the world.

۱۶۷

گر دست دهد ز مغز گندم نانی
وز می دو منی ز گوسفندی رانی
با لاله رخی و گوشه بستانی
عیشی بود آن نه حد هر سلطانی

If helping hands give beings a plate of knowledge
And would instinctively serve the mind wine,
On food for thought we would surely dine
That would truly give us the best time.

۱۶۸

گر کار فلک به عدل سنجیده بدی
احوال فلک جمله پسندیده بدی
ور عدل بدی به کارها در گردون
کی خاطر اهل فضل رنجیده بدی

If we could see justly the ways of the world,
We would accept and respect more our world.
If we should become more just to worldly ways,
When have we suffered from what a wise one says?

۱۶۹

هان کوزه گرا بیای اگر هشیاری
تا چند کنی بر گل مردم خواری
انگشت فریدون و کف کیخسرو
بر چرخ نهادهای چه می پنداری

Lo and Behold! Potter, if you are really aware
How long will you form bodies into earthen ware?
You have re-instated so many decomposed corpses
Into the world's dust pit without a bit of remorse!

۱۷۰

هنگام صبح ای صنم فرخ پی
برساز ترانه‌ای و پیش آور می
کافکند به خاک صد هزاران جم و کی
این آمدن تیرمه و رفتن دی

In the morn, O fortunate idol
Sing a song to inform us forms
That we all have come to go;
Both for and from one to one!